

مؤسسه بحث و مناظره دینی

آیت‌الله سید ابوالحسن طالقانی در پرتو پنج سند از مراجع تقلید

رسول جعفریان*

موضوع اسناد مورد بحث، مؤسسه‌ای است که مرحوم آیت‌الله سید ابوالحسن طالقانی - پدر مرحوم آیت‌الله سید محمود طالقانی - برای بحث و مناظره پیرامون مباحث دینی تشکیل داده است. مرحوم سید ابوالحسن دوران نخست طلبگی را در قزوین سپری کرد و سپس در تهران به تحصیل پرداخت و مدتی نیز در اصفهان شاگرد محمد حسین نجفی - برادر آقا نجفی - بوده است. بعد از آن به عتبات رفته، مدتی در درس میرزای شیرازی و مرحوم آیت‌الله سید اسماعیل صدر تحصیل کرده و به تهران بازگشت. وی در تهران در زمره علمای برجسته به حساب می‌آمد و با ارتزاق از ساعت‌سازی به کارهای دینی اشتغال داشت^۱.

آقابزرگ ذیل مدخل سید ابوالحسن طالقانی و با ذکر وفات وی در شعبان ۱۳۵۰ ق به شاگردی او نزد میرزای شیرازی اشاره کرده و این که پس از آن از خواص شاگردان سید اسماعیل صدر بوده است. وی در سال ۱۳۱۷ ق با چند نفر از علما به حج مشرف شد و در بازگشت در تهران مستقر شد. وی کتابهایی دارد؛ از جمله کیمیای هستی به فارسی، مقاله اثناعشریه، محاکمه حجاب، السیاسة الحسینیة. وی پس از آن که در شعبان ۱۳۵۰ درگذشت، جنازه‌اش به نجف منتقل و در وادی السلام دفن شد^۲. باید یادآور شوم که رساله ایشان درباره حجاب را بنده به چاپ رساندم^۳.

در منبعی دیگر، تاریخ دقیق فوت ایشان روز دوشنبه ۱۸ شعبان سال ۱۳۵۰ در ۷۲ سالگی عنوان شده است. بدین ترتیب تولد ایشان هم باید ۱۲۷۸ ق باشد. در همان منبع، تصویری هم از ایشان به چاپ

رسیده است.^۴

بیفزاییم که دختر ایشان، همسر مرحوم حاج شیخ مهدی پایین شهری از علمای برجسته و زاهد قم بود. حاصل این ازدواج تولد علی‌اکبر حکمی‌زاده بود که نویسنده کتاب اسرار هزار ساله است. آیت‌الله سید محمود طالقانی به همراه حکمی‌زاده و حسین بدلا در حجره‌ای در مدرسه رضویه که زیر نظر مرحوم پایین شهری اداره می‌شد، زندگی می‌کردند. همین حجره بود که نخستین افکار روشنفکری دینی را در قم تجربه کرد. شرح این داستانها و حتی رفت و آمد کسروی به این حجره را مرحوم بدلا در هفتاد سال خاطره آورده است.

اما در تهران، آشنایی مرحوم سید ابوالحسن طالقانی با شماری از تجار؛ از جمله عباسقلی بازرگان - پدر مهندس بازرگان - سبب شد تا به کمک آنان به برخی از کارهای فرهنگی - دینی روی آورد که از آن جمله تشکیل مؤسسه‌ای برای بحث و مناظره دینی بود که اسناد ذیل مربوط به آن است.

گفتنی است در سالهای پس از مشروطه که دین در معرض تهاجم افکار مدرن قرار گرفت، تلاش‌های زیادی برای دفاع از دین صورت گرفت. به عبارت دیگر، معارف دینی در این دوره در موضع دفاعی افتاد و علما مجبور شدند تلاش‌هایی برای نجات آن از شبهات داشته باشند. این شبهات افزون بر آن که ناشی از افکار و اندیشه‌های روشنفکرانه بود، به تلاش‌های مبلغان مسیحی از یک سو و بهاییان از سوی دیگر باز می‌گشت. مؤسسه مشابهی درباره مبارزه با ترویج مسیحیت، به ریاست حاج آقا نورالله اصفهانی تشکیل و نشریاتی نیز منتشر کرد.

مع الاسف تاریخ دقیق تشکیل این مؤسسه روشن نیست و تنها نامه مرحوم آیت‌الله نائینی تاریخدار است که ۲۸ رجب سال ۱۳۴۲ ق است. طبعاً مؤسسه مزبور باید پیش از آن تاریخ یا حوالی آن، تأسیس شده باشد.

مهندس بازرگان تاریخ تشکیل این مؤسسه را حوالی سال ۱۳۰۳ شمسی نوشته و شرحی کوتاه درباره آن جلسات ارائه کرده است.^۵

این مؤسسه همان طور که از نامه مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و حائری برمی‌آید، ابتدا در مدرسه مروی تشکیل شد، اما به مرور که مشکلاتی پیش آمد، ابتدا در منزل آقای طالقانی و سپس در منزل عباسقلی بازرگان ادامه یافت. این نکته‌ای است که مرحوم طالقانی در همان توضیحی که در باره نامه آیت‌الله اصفهانی آورده و در نشریه آیین اسلام چاپ کرده، (سال ۳، ش ۴۰) شرح داده است.

مرحوم بدلا که در جلسات منزل بازرگان شرکت می‌کرده، خاطره خوبی از آن جلسات ندارد و از نفوذ افراد ناباب در آن سخن گفته است.^۶

گفتنی است که این مؤسسه یک هدف عام و دو مقصد خاص داشته است. نخست آن که هدف آن، پاسخ دادن به شبهات مذهبی بوده است که در این اسناد هم به آن اشاره شده است، اما به طور خاص، هدف، پاسخ‌گویی از شبهات مبشران مسیحی و مبلغان آیین بهائیت بوده است. در این باره باید اطلاعات بیشتری به دست آورد.

گفته شده است که بخشی از این مناظرات در نشریه‌ای با نام بلاغ منتشر شده که فقط یک شماره از آن درآمده است.

خوشبختانه این شماره با کمک جناب آقای رحمانی در اختیار بنده قرار گرفت. تاریخ سال اول، شماره اول آن ذی قعدة ۱۳۴۶ مصادف با اردیبهشت ۱۳۰۷ است. اصولی که بر اساس آنها این نشریه منتشر شده این‌هاست:

لزوم دیانت بر هر بشری و واب مقالات ممنوعه ضد دیانت.

سهولت طریق تعلیم دین و انحصار دین حق به اسلام.

تزریق دین به زبان علمی دقیق با ملاحظه تناسب عصر و به زبان ساده شیرین. حیات اجتماعی و فلسفه آن.

تهذیب دین حق از تهمت‌ها و خرافات مشهوره.

قرآن، حدیث، اخلاق، وقایع مهم اسلام، تبلیغ، مستظرفات.

مقالات هم عبارتند از: بیانیه، مجاهده و تبلیغ، کلمات قصار باب مدینه علم، عصمت بشر، امالی و آمال، اشارت و بشارت فروغی، از کلمات.

آدرس این مجله به حجره پدر مرحوم بازرگان؛ یعنی عباسقلی آقاتاجر تبریزی است. عبارت آدرس که پشت جلد آمده این است:

کلیه مراجعات عجالاً به جناب حاجی عباسقلی آقاتاجر تبریزی بشود تا محل اداره رسماً معرفی شود. در مقدمه آمده است: جمعی از علمای حساس با وقوف به مقتضیات عصر به معاونت اکابر از رجال دانشمند که حاوی علوم قدیمه و جدیده هستند، مجمع علمی دایر فرمودند و یکی از مآثر جمله آن را نشر این مجله قرار دادند که با اعتماد و توسل به حق مقالات مندرجه آن کاشف رموز و دقایق و عنوان حلال مشکلات بر آن صادق باشد.

ظاهراً آیت‌الله طالقانی با آشنایی در این جلسات بود که بعدها در اندیشه مقدمه نویسی بر انجیل برنابا افتاد، همان مقدمه‌ای که با انجیل یاد شده چاپ شد.

از میان سه نامه مراجع که ذیلاً خواهد آمد، نامه آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی، توسط آیت‌الله طالقانی در نشریه آیین اسلام در سال سوم شماره ۴۰، صص ۲۸ - ۲۹ منتشر شد. همانجا آقای طالقانی نوشتند که نامه‌های دیگری هم هست.

اکنون پس از گذشت شصت و پنج سال، آن چند نامه دیگر، توسط آقا زاده ایشان جناب آقا مهدی علائی طالقانی در اختیار بنده قرار گرفت که بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌کنم. همان زمان که نامه مرحوم اصفهانی و یادداشت مرحوم طالقانی را ذیل آن دیدم که چند نامه دیگر هست، آرزو کرده بودم که ای کاش آن نامه‌های دیگر هم فراهم می‌آمد. از این که دعایم اجابت شد، خدای را شاکرم.

توضیح درباره اسناد

در این جا پنج سند ارائه شده است:

۱ - اساسنامه مؤسسه: این اساس نامه باید دست‌نوشته مرحوم حاج سید ابوالحسن طالقانی یا یکی از ارکان این مؤسسه باشد. دست کم دو مورد خط خوردگی دارد و این اشاره به آن است که نوشته مزبور مسوده بوده است. همین که در منزل مرحوم طالقانی بوده باید از ناحیه سید ابوالحسن باشد.

۲ - نامه آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره).

۳ - نامه مجدد آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره).

۴ - نامه آیت‌الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی (ره).

۵ - نامه آیت‌الله نائینی (ره).

به جز سند نخست که اساسنامه این مؤسسه است، باقی سندها نامه‌هایی از سه مرجع تقلید وقت است. مرحوم سید ابوالحسن طالقانی بر آن بوده است تا رضایت آنان را در تأسیس این مرکز گرفته و از همراهی و همکاری آنان برخوردار باشد.

دو مورد اول، حرکت او را تأیید کرده و اعلام همراهی کرده‌اند. در این زمینه آیت‌الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی ضمن تأیید، اقدام به ارایه برخی از تذکرات در بهتر برگزار شدن مناظرات مذهبی کرده است. اما آیت‌الله نائینی که گویا پاسخ نامه نخست مرحوم طالقانی را هم نداده است، در پاسخ نامه دوم و پس از رؤیت برخی از متن‌های ارسالی که به احتمال چاپ هم شده بوده، عدم همراهی خود را با این کار اعلام کرده و دلایل خود را نیز بیان می‌کند. این سخت‌گیری وی در مقابل سهل‌گیری مرحوم حائری و اصفهانی، نکته قابل تأملی است.

یکی از نکات مورد اشاره مرحوم اصفهانی آن است که برای چنین مؤسسه‌ای نیاز به مجلات خارجی و داخلی به زبان‌های مختلف را لازم می‌داند. با توجه به آن که می‌دانیم ایشان نخستین مرجعی است که استفاده از سهم امام را برای مجله اجازه داده، حس می‌کنیم که او بر اساس اطلاع، روی چنین مطلبی تأکید کرده است. وی قول داده است که «و اگر فرصت و مجال باشد، شاید یک دستورالعمل اساس کلی برای دخول مطلب عرض کنم که پسند آن ذوات مقدسه ایدهم الله تعالی باشد».

سند شماره ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

نشر معارف اسلامی و بسط حقایق دینی اولین وظیفه است در مقام تشکر نسبت به ساحت قدس حضرت احدیّت، جلّت عظمته، که به قدرت کامله درک مقاصد عالیّه و حل مشکلات غامضه را به انعام قوه عاقله، نوع بشر را مخصوص داشته و به امتیاز فهم و حواس باطنه، این سلسله را ما بین سایر صفوف ممکنات مفتخر و مکرم ساخته.

و بالاترین خدمت به عالم انسانیت و ادای حقوق بشریت آشنا ساختن ابناء نوع است به مبانی اصولی و دقایق اعتقادی و رقایق مذهبی که حتی المقدور افراد را از ظلمات شبهات مستخلص و به انوار فیوضات محفوظ دارد، چه آن که اتقان و استحکام عقاید قلبی، برای هر فردی، علاوه بر این که موجب ترقیّات روحی و اخلاقی و مقتضی زیادتی عاطفه بشری است، اقوی مانع است از ارتکاب هر ترک اولی و عمل خلافی و بهترین داعی و محرک است برای هر کار شایسته و سزاواری و یگانه وسیله است برای حفظ نظامات اجتماعی و بدیهی است که راضی بودن به انحطاط رتبه فضلی دیگران، ضدیت و معاندت است با ذوق و وجدان.

فصل

گرچه هر یک از آحاد مسلمین بر حسب درجات معلومات خود از ایفای وظیفه فوق نسبت به سهم خویش خودداری را شایسته ندانسته، ولی بالاخصاص جمعی از محترمین بذل مساعی جمیله نموده، تأسیس عالی مجلس و مبارک محفلی نمودند لازال در ظلّ توجهات مخصوصه مُشرّع دینانی اسلامی و عواطف خاصه حضرت حجّت عصر، عجل الله فرجه، به شرح مقررات ذیل در حفظ ثغور شرع اسلام و رفع اشتباهات مذهبی از ادای تکلیف دریغ نکرده باشند و در پیشگاه حضرت خالق و خلق جرم مسؤولیت را متحمل نباشند.

فصل

و این مجمع شریف مرکب خواهد بود از سه هیئت:

اول: هیئت مؤسسه از حضرات اشراف و آقایان تجار که فعلاً در هر هفته یک جلسه برای تأسیسات و تنظیمات تشکیل و سیار خواهد بود.

دوم: هیئت فوق‌العاده از مترجم و مورخ و ادیب و خطیب و ارباب فنون مختلفه که عند الحاجة دعوت و تشکیل خواهد یافت.

سوم: هیئت علمیه از جماعتی از اهل فضل و دانش متحلّی به حُسن اخلاق و آداب معاشرت و محاوره و سوابق مستحسنة، و در کلیه خصوصیات متناسب با مرام و مقصد، خاصاً در رعایت مضمون کریمه «و جدلهم بالتی هی احسن» که رکن عمده مرام این مجلس است.

و این هیئت علمیه، مشتمل خواهد بود بر یک نفر رئیس و یک نفر نایب رئیس به انضمام یک منشی و دفتردار و یک نفر ناظم مجمع، به شرح مواد آتیه (و اوقات انعقاد جلسه هیئت علمیه عجلتاً در هر هفته سه روز است به شرح ذیل: چهارشنبه ۳ به غروب تا غروب، پنجشنبه ۳ به ظهر تا ظهر، جمعه ایضاً ۳ به ظهر تا ظهر).

فصل در وظایف هیئت علمیه

[۱ -] ماده اول: تألیفات و تصنیفات راجع به امور مذهبی و دینانی از هر قبیل و مناظرات شفاهی و کتبی با ملل متنوعه.

۲ - هر شخصی که وارد می شود بر هیئت برای مناظره، و سابقه حال او ندارند، بدو، دو الی سه جلسه هیئت با او صحبت می‌دارد تا میزانی از معلومات و استعداد و مقصدش مبین شود. پس از آن واگذار می شود مناظره با او از طرف رئیس به یکی از اعضای هیئت با انتخاب یک نفر به اتفاق یا قرعه.

۳ - مناظرات شفاهی تدوین، و به امضاء طرفین می‌رسد، در هر جلسه، ولی پس از خلاصه‌گیری از مذاکرات.

۴ - خلاصه مناظرات پس از تحقیق و تهذیب هیئت آن را، طبع و نشر می‌شود و احدی حق ندارد بدون تهذیب هیئت مذاکرات مناظره را کتبا نشر دهد، اعم از آن که ناشر طرف مناظره باشد یا خارج.

۵ - عجلتاً تا زمانی که هیئت رئیس ثابتی اتخاذ نماید، در اولین جلسه هر هفته با اکثریت یا قرعه یک نفر را از خود رئیس موقتی آن هفته تعیین می‌نماید.

۶ - اظهار کمال تأدب و مهربانی قولاً و عملاً، و احتراز از خشونت و الفاظ رکیکه نسبت به طرف مناظره.

۷ - در اثنای مناظره در مطلبی، دخول در مطلب دیگری، ممنوع است مگر با ارتباط تام.

۸ - در اثنای مذاکره هیئت، استعمال قلیان و چای و سایر چیزهایی که مورث تفرق حواس است، ممنوع خواهد بود، حتی تعارفات مرسوم نسبت به واردین.

فصل در وظایف رئیس

ماده اول: اعلام رسمیت مجلس و اجازه تنفس و اعلام ختم مجلس و مذاکره.

۲ - منع و اجازه نسبت به نطق، اعم از آن که ناطق عضو هیئت باشد یا خارج و اعم از این که نطق مربوط به موضوع مناظره باشد یا خارج.

۳ - تعیین وقتی برای جواب کتبی یا شفاهی سائل یا مناظر به تناسب مسائل وارده.

۴ - مهر و موم نمودن محفظه دفاتر و سایر مکتوبات مجلس در خاتمه هر جلسه.

۵ - دعوت از علمای و متخصصین هر فن در موقع حاجت و توافق اکثریت هیئت به نام هیئت.

فصل در وظایف واردین برای مناظره

ماده اول: معرفی خود کاملاً در دفتر مجلس می‌نماید به ذکر اسم و لقب و شغل و محل سکونت و غیره به طوری که کاملاً معرفی شود.

۲- در صورتی که وارد از طرف دیگری رافع و واسطه در سؤال است، شخص غایب را معرفی کامل نموده در دفتر و به علاوه مدرک معتبری می سپارد به دفتر حاکی از قبول داشتن غایب اظهارات رافع را.

بسم الله الرحمن الرحيم

شرف اهدای و بطرف حق دین اولین وظیفه است در مقام تکریم نسبت به حق تعالی که در حضور حضرت
در تقدیر گامه در کمال مقصد عالیله و در شکوهت فاضله و با نام قره عی قد فرج بشرو مضمون داشته
دبا عیار فخر و موهر باطنه نیز سلسله و با این سید صرف کلمات مفرد و کرم میخند و با لا نیز قدرت
بالم نیا نیت داد، حقوق بشرین آشنا خلق ابناء، نزع است بیجا اصول و دقائق عقاید و در قانع
در حضور بقدر افراد سوزظلمات بشریات مستغرق و با ذرات نورها محفوظ دارد چه آنکه حقان در استقام
عقاید قلب برای هر فردی در عهد بر اینک است و در حق تعالی در و مقصد نایب و عطف بشر است اوقی
مانع است از ارتکاب هرگز اول و در غیر خلا در بهترین راه و حرکت برابر هر کارشسته و سزاوار در میانه
و سید است برابر حفظ کلمات چهارم در هر یک از اینها که با نطق در هر یک از اینها و معانی است
با فرق دو وجهان (فصل) (که هر یک از آنها مسلمان است)

در وقت مسکوت خود از اینها وظیفه فوق نسبت بهم خویش نمودار برایشان نهانست و با اینها
جلسه از محرمین بدل مسوولیت نموده تا سپس عالی حسن و مبارک کلمات منصفه در در نظر وجهات محصوره
مشروع دین است که در عطف خاصه حضرت تحت حضور علمیه که از همه بزرگ متورق است و در حفظ شعور
شرح اسلام در دفع اشتباهات نیز از اداء تکلیف درین نگه داشته و در پرورشها حضرت خاتم و خلق
جرم مسکوتین و متهم نباشند (فصل) (در این مجمع شریف که در این راه بود از سزاوارترین
اندر هیئت مؤسسه از حضرت شرف و آتایان شمار که فضل در هر هفته یک جلسه در این هیئت و تنظیمات یکبار
و ام هیئت فوق العاده در ترجمه و موعظه و ادیب و تنظیم و ادب با نفوس مختلف
در عهد الهام دعوت و تکلیف خواهد یافت)

تو هم هیئت علمیه از چهار نفر از اینها است متوجه سخن اخلاق و ادب معاشرت می داده و در
و در کمال خصوصیت مناسب با تمام مقصد همته در رعایت مضمون کریمه (و دعا و دعا در هر یک از اینها)
در کمال علم و ابرام از علم است و نیز هیئت علمیه ششم خواهد بود بر کثیرین و کثیران پس با انعام از مشق
و دفتر

پیام بهارستان / شماره ۲۰، س ۱، ش ۴ / تابستان ۱۳۸۸

و دفتر دار و کتیب و نظم مجمع شرح موارد نیز آیه (ادوات انظار حسب همت علمیه عبادت
 در هر هفته سه روز است شرح زیر چهارشنبه ۳ بفروردین تا غروب پنجشنبه ۳ بظهر
 جمعه یعنی ۳ بفروردین) فصل ۲ (در وظایف همت علمیه)
 مآثر اندک تا لیفات و تصنیفات رحبه با مورز مهرد و دیگر از هر چه در مناظره شفا و دیگر با تفرقه
 ۱ هر شخص در در دیقه بر همت بر این مناظره در سابقه کمال ادراکند بدو اولی که در جلسه
 همت با او صحبت میداند تا نیز از آن معلوم است که بعد از وقفه در میان نشویند از آن و اگر
 همت منظره با او از طرف رئیس یکی از عضا همت با ایشاب که کتیب و تفرقه یا تفرقه
 ۲ مناظره شفا و دیگر در مناظره با او میسر در هر جلسه اولی از آن خلاصه گیری از آن
 ۳ خلاصه مناظره پس از مجمع و تدبیر همت از اطیع و نشر توفیق و احد حق ندارد بدو
 تدبیر همت مذکرت مناظره و کتیب نشر در اعم از آنکه مناظره شفا باشد یا خارج
 ۴ عبادت تا آنکه همت رئیس شفا بر آنکه نماید در اولین جلسه هر هفته با همت یا تفرقه بفروردین
 از آنکه رئیس موقتر آن هفته تعیین میمانند
 ۵ انظار کمال تأدب و مهر با نطق و جمله و جمله و چهار از خوشنویس و انظار که نسبت به طرف مناظره
 ۶ در اثناء مناظره در خطبه و غیره در مطلب دیگر ممنوع است که با ارباب تمام
 ۷ در اثناء مذاکره همت استعمال قیام و چای و سایر چیزها میکرده شود تفرقه و اگر
 ممنوع خواهد بود موقتر آن است مگر در وقت استوار و غیره (فصل ۲ در وظایف رئیس
 مآثر اندک تا همت مجلس و اجازت تفرقه و اعلام ختم مجلس و حکم و مذاکره
 ۱ منع و اجازت نسبت به نطق اعم از آنکه مطلق عضو همت باشد یا خارج و اعم از آنکه
 نطق مربوط به موضوع مناظره باشد یا خارج)

پیام بهارستان / ۲۵، ۱، ش ۴ / تابستان ۱۳۸۸

- ۳ تعیین وقت برای جواب کتبی یا شفاهی سائرها مناظره بتناوب مسمی و درده
- ۴ مهر و موم نمودن محفوظه دفتر و سایر ملحقات مجلس در فاصله هر جلسه
- ۵ دعوت از علما و متخصصین ارض در ترویج حاجت و توافقی اکثریت همیت تمام همیت

فصل

در وظائف دار و نیز برای مناظره

بجهت امر معروف نهی مکرر که در دفتر مجلس نماینده بزرگم و لقب دشمن و دشمن گوی و غیره بطوریکه باید
 ۲ در صورتیکه در دار و طرف دیگر رافع در هر دو سوال است شرف نمایی و سوختن کار منقسم در دفتر
 و بملکه مراد معتبری میسر در دفتر و از قهر دشمن نمایی آنها است رافع سو



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

شماره ۱۰ ۱۱ ۱۲ دفتر مرکز

سند شماره ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

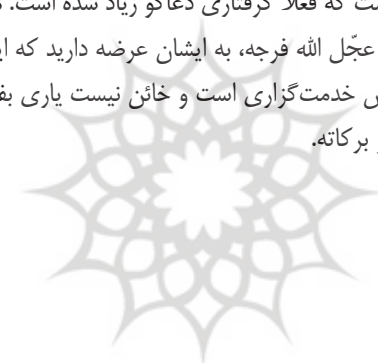
به عرض می‌رساند ان شاء الله، مزاج شریف قرین صحت و در ترویج شریعت طاهره، دایماً مؤید و منصور بوده باشید.

نوشته شریفه زیارت شد. در باب امر خیری که مرقوم فرموده بودید، از تأسیس **مجلس خاصی برای رفع شبهات و اصلاح عقاید بندگان خدا** بسیار خیال عالی است و بالخصوص در این زمان که راهزن زیاد و ضعفای مسلمین را به اندک شبهه می‌ربایند، خیلی لازم است و امیدوارم تأیید پروردگار و نظر مبارک حضرت بقیة‌الله، ارواحنا فداه، مساعد باشد.

و البته معلوم است که برای وصول به مقصود، طریق ملایمت پیش گرفتن و از خشونت کلام اجتناب کردن، خیلی مدخلیت دارد، یقیناً ملحوظ نظر شریف هست. ارجو من الله که نتایج خیریه این زحمت، روز به روز ظاهر و هویدا گردد.

عرض دیگری که دارم این است که فعلاً گرفتاری دعاگو زیاد شده است. متوقعم که در اوقات توسل به وجود مقدس حضرت ولی عصر، عجل الله فرجه، به ایشان عرضه دارید که این ضعیف دلیل را اگر به نظر مبارکشان از خدام است و غرضش خدمت‌گزاری است و خائن نیست یاری بفرمایند، زیاده عرض نیست. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

الاحقر عبدالکریم الحائری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۳

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت ذی شرافت هیئت محترم علمیه مدرسه مروی - ادام الله تأییدهم

به عرض می‌رساند

امید از حضرت پروردگار جلّ و علا و نظر مبارک حضرت ولیّ عصر، ارواحنا فداه، آن که دایماً در ترویج شرع مبین و تشیید آیین حضرت خاتم النبیین، علیه و علی آله الطاهرین افضل الصلوات، مؤید و منصور بوده باشید.

خدا می‌داند بسیار مسرور شدم از شنیدن تأسیس این مجلس مقدّس که برای حفظ دیانت و انقاذ ضعفاى از مسلمین تشکیل فرمودید از وظایف مهمّه و معینه است و ان شاءالله چنانچه مرجو از آن دعوات شریفه و صاحبان اخلاق حمیده است که با کمال ملایمت و حسن خلق با طرف مقابل تلقی فرمایید که هر طبقه راغب شوند به استماع کلمات حقّه.

و از خداوند، جلّ و علا، مسألت می‌نمایم که وسایل لازم را فراهم فرموده، روز به روز آثار خیریه آن واضح گردد. زیاده عرض نیست، جز التماس دعا در مظانّ اجابت.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

الاحقر عبدالکریم الحائری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بسم الله الرحمن الرحيم
صفت حضرت محمد بن عبد الله بن عبد المطلب

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم از حضرت اور و نام و عدل و نیکو...

ارو و فواد که در آن روز در آن مجلس نشسته بود...
بعضی اصوات برآید و حضور حضرت...
بعضی هم که با حضرت بیعت داشتند...
ارواح فرخنده بود از آن روز...
و بعد چون افلاک گشود که لاله بیدار...
تعلق فرمایند که طبع را غیب شود...
می نامند که سید مرتضی را فرزند...
فرزانش در آن روز با آن سوره...

سند شماره ۴ بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند

رقیمه شریفه که حاکی از استقامت مزاج مبارک و کاشف از عوالم محبت و اظهار اشتیاق ملاقات بود، عزّ وصول ارزانی داشت، موجب سرور و انبساط گردید. عطف خاطر شریف به این حقیر که ملازم با مشمولیت دعوات صالحه است نعمت بزرگی است و از این که برای رفع شبهات معاندین دین و حفظ عقاید ضعیفای مسلمین، بنای تأسیس مرکزی در مدرسه مروی دارید که مرکب از فضیله‌ای صلحاء باشد، بی‌اندازه مسرور شدم و البته به نحو اکمل موجب سرور حضرت ولی عصر، ارواحنا له‌الفداء، خواهد بود.

البته این هیئت مقدسه به عین عنایات خفیه و جلیه آن حضرت و تأییدات الهیه - جلّ شأنه - مستظهر خواهند بود. «ان تنصر الله ينصرکم و ینت اقدامکم» و به مقتضای «الذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا» از عهده این مطلب کما هو حقّه خواهند برآمد.

لکن این مطلب بزرگ، محتاج است به استعداد کامل و ترکیب از اشخاص فاضل متبّع مستقیم السلیقه، و کتب بسیار و مجلات خارجه و داخله که به السنه مختلفه است، و مترجمین صحیح العقیده که خدای نکرده اگر با استعداد ناقص و عدم تهیه اسباب اعلان این مطلب شود و از عهده کما هو حقّه بیرون نیابند، معاندین شیرگیر می‌شوند، اگرچه گمانم آن است که اگر تأسیس این مرکز با صدق نیت و اخلاص و صفا و صدق و با نیت خالص شود، حضرت حق، جلّ و علا، اسباب را به نحو اتمّ و اکمل فراهم آورد و نتیجه مطلوبه به نحو اتمّ و اکمل حاصل شود. علی‌ای حال جدیت تأیید [کذا] و به زودی داخل در مطلب شوید، و حقیر هم بر حسب وظیفه دینیه خود به مقدار مقدور مساعدت خواهم [کرد] و هر مطلبی که دخالت در تأیید این مطلب داشته باشد و از حقیر برآید، اشاره فرمایید، کوتاهی نخواهد شد.

و اگر فرصت و مجال باشد، شاید یک دستورالعمل اساس کلی برای دخول مطلب عرض کنم که پسند آن ذوات مقدسه ایدهم الله تعالی باشد، ان شاءالله تعالی. ملتمس دعا و مترصد بشارت سلامتی و مراسلات شریفه همیشه هستم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

الاحقر ابوالحسن الموسوی الاصفهانی.

سند شماره ۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به عرض می‌رساند

ادام الله تعالی تأییداتکم و تسدیداتکم و حرسکم فی کنفه و حفظه و حرزه و خصکم بنیابه ولیه، صلی الله علیه و علی آباءه الطاهرین،

مرفومه شریفه سابقه که فقط به امضای شخص جنابعالی بود، سابقاً رسیده بود. حال هم رقیمه ثانیه به امضای هیئت محترمه رسید.

علت تأخیر جواب رقیمه سابقه، فقط بی خبری از اعضای هیئت محترمه و بی‌اطلاعی از مسلکی بود که اتخاذ فرموده‌اند.

بدیهی است ورود در چنین وادی عظیم خطیر، علاوه بر کمال تدرّب در علمیت فقهاً و اصولاً و کلاماً محتاج است به کمال تتبع و اطلاع تام بر متواترات اخبار نبویه، صلی الله علیه و آله، که بین الخاصه و العامه مسلّم و قطعی الصدور است و هم محتاج است به اطلاع تام بر آنچه در کتب منسوبه به انبیاء سلف دست یهود و نصارا است، من عهدی القدیّم و الجدید.

و بالجمله دخول در این وادی، از جهت ماده علمی، محتاج به جامعیت کامله است. و بعد ذلک یعنی به قدر منتخب شدن هیئتی از جنس اشخاص کامل در علمیت، باید رشته مباحث آنها هم اعلان شود که فقط فیما یرجع الی حقیقه الدین المبین در مقابل منکرین اسلام یا منتحلین آن که مرقوا عنه او ابدعوا فیه بحث می‌شود و الا سایر مباحث را سؤالاً و جواباً تعرّض نداریم و الا اگر رشته مقصور نباشد، هر روز یک سؤالی بی‌ربط به باب دیانت داده می‌شود و شاید جواب آن محتاج به علوم غیبیه یا به اسرار قضا و قدر باشد و لهذا از عهده نتوان برآمد و سبب می‌شود که اعلان خواهند کرد که از منتخبین علمای اسلام که در مرکز بلاد اسلامی مجتمع و مصدّق تمام علمای اعلام و مراجع تقلید مسلمین بودند، سؤالی کردیم و از جواب عاجز شدند و درماندند.

حال آقایان مجتمعین را که کما هو حقّه معرفت به آحاد اشخاص و درجه تدرییشان در علوم محتاج الیهما ندارم، لکن از سؤالاتی که مذکور شد [و جواب] داده شده، از قبیل فلسفه خلقت عالم و فلسفه حاجت به تحلیل بعد از طلاقات ثلاث و نحو ذلک، چینی می‌نماید که جهت ثانیه هم کاملاً رعایت نشده و مباحث عنده را مقصور بما یهمّ البحث عنده نفرموده. فرداست که هر رطب و یابس و سؤالات عجیبه و غریبه که جواب آنها محتاج به علم غیب و اطلاع بر اسرار قدر است داده شود و خدای نخواستہ عجز از جواب افتضاح بار آورده؛ العیاذ بالله تعالی ذلک.

امید که هرچه زودتر جهت ثانیه را به طور صحیح تدارک فرماید و جهت اولی را هم اگر تمام آنچه باید رعایت شود نشده، کاملاً تدارک فرماید، ان شاءالله تعالی. بعد ذلک موقع تصدیق و تبریک امثال احقر خواهد بود، ان شاء الله تعالی .

والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته

۲۸ رجب ۱۳۴۲

الاحقر محمد حسین الغروی النائینی

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

مرض برسانه ادام الله تعالى ما علمت دست بر آیم در هر مسلمی که گفته و حفظه در هر زده و حفظم بنامه دست
 بر آورده شدم سبب که فقط ما مضایقش حاصل می شود تا بر سر حد حال هم رفته نماند بعضی وقتها بر سر
 علت تا غیر جواب رقیب بیه فطرت بر او را مضایقت لازم بود به اطلاع از سبب در آنجا و بعد از
 به بیانات و در دو دقیقه و در فطرت عبادت بر طلال آید در وقت نماز و در نماز و در نماز و در نماز
 مع و اطلاع تمام بر تو اوقات اجبار بر غیر صحت ایضا و در این ایضا و در این ایضا و در این ایضا
 و به فحاح است با اطلاع تمام بر آنچه در این ایضا و در این ایضا و در این ایضا
 و با کجبه و فحاح در این ایضا و در این ایضا و در این ایضا و در این ایضا
 شدن سبب از جیب اشخاص کار در علت با بر رفته نبوت منها هم اطلاع از فحاح و فحاح
 الدین العین در وقت سبب سبب استقلین این در وقتها و در وقتها و در وقتها و در وقتها
 در مواله و جواب تفرغ فریوم و الا اگر رفته تصور نماند هر روز که نماند به نظر باب و در وقتها
 بنف دست در جواب این فحاح معلوم فلسفه و بر رفته و در رفته و در رفته و در رفته
 که اعدین خوانند که در این ایضا و در این ایضا و در این ایضا و در این ایضا
 عقیدت سبب سبب بر این ایضا و در این ایضا و در این ایضا و در این ایضا
 حد سبب با حد ایضا و در این ایضا و در این ایضا و در این ایضا
 شد و در وقتها و در وقتها و در وقتها و در وقتها
 چس در وقتها و در وقتها و در وقتها و در وقتها
 نه است در وقتها و در وقتها و در وقتها و در وقتها
 در وقتها و در وقتها و در وقتها و در وقتها
 ایضا و در وقتها و در وقتها و در وقتها
 ایضا و در وقتها و در وقتها و در وقتها
 ایضا و در وقتها و در وقتها و در وقتها
 ایضا و در وقتها و در وقتها و در وقتها

پیام بهارستان / ۲۰، س ۱، ش ۴ / تابستان ۱۳۸۸



پی‌نوشت‌ها:

- ۱- هفتاد سال خاطره، سیدحسین بدلا، ص ۳۶ - ۳۷.
- ۲- نقیب‌البشر، ج ۱، ص ۳۳.
- ۳- رسائل حجابیه، ص ۴۱۶ به بعد. درباره برخی از آثار او بنگرید به: ذریعه: ۲۷۱/۱۲، ۲۰۲/۱۸، ۲۰۳/۲۰، ۳۹۴/۲۱۱۳۷.
- ۴- مشاهیر طالقان، ص ۴۸ - ۵۱.
- ۵- مدافعات در دادگاه غیر صالح تجدید نظر نظامی، ص ۷۵ - ۷۶.
- ۶- هفتاد سال خاطره، ص ۳۶.